

خاور کرمانت بیش عوری محملات و زجالی



راهنمای عملی شناخت و درمان
خطرناک ترین بیماری تاریخ بشریت

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۱	دیاچه نویسنده
۲۱	فصل اول: چه کسی بیشعور است و چرا یک نفر باید بخواهد بیشعور باشد
۲۳	۱ سرگذشت فرد
۳۱	۲ چند سرگذشت دیگر
۴۱	۳ تعریف بیشعوری
۴۹	۴ ماهیت بیشعوری
۷۱	۵ شدت بیشعوری
۷۹	فصل دوم: انواع بیشعورها
۸۱	۶ بیشعور اجتماعی
۸۷	۷ بیشعور تجاری
۹۳	۸ بیشعور مدنی
۹۹	۹ بیشعور مقدس مآب
۱۰۳	۱۰ بیشعور عرفان باز
۱۰۹	۱۱ بیشعور دیوان سالار
۱۱۳	۱۲ بیشعور بیچاره
۱۱۷	۱۳ بیشعور شاکی

فصل سوم: وقتی جامعه بیشعور می شود..... ۱۲۱

۱۴ تجارت به مثابه بیشعور..... ۱۲۳

۱۵ دولت به مثابه بیشعور..... ۱۲۹

۱۶ خواندن، نوشتن و بیشعوری..... ۱۳۵

۱۷ بیشعوری در رسانه، یک اپیدمی واقعی..... ۱۳۹

فصل چهارم: زندگی با بیشعورها..... ۱۴۵

۱۸ کار کردن با بیشعورها..... ۱۴۷

۱۹ وقتی دوست بیشعور است..... ۱۵۳

۲۰ ازدواج با آدم بیشعور..... ۱۵۷

۲۱ بیشعور مادر..... ۱۶۱

۲۲ فرزندان والدین بیشعور..... ۱۶۷

فصل پنجم: راه نجات..... ۱۷۳

۲۳ مراحل درمان..... ۱۷۵

۲۴ وسایل درمان..... ۱۸۱

۲۵ سخن پایانی..... ۱۸۹

مقدمه مترجم

آیا از اینکه همسایه‌تان زباله‌هایش را در جوی آب می‌ریزد عصبانی هستید؟ آیا تا به حال پیش آمده که در اداره‌ای برای گرفتن یک امضا روزها و ساعت‌ها در آمدوشد باشید؟ آیا احساس می‌کنید برخورد های رئیس‌تان با شما توهین‌آمیز است؟ تا به حال دلتان خواسته که یک صندلی را بر فرق پزشکی بکشد که وقتی بعد از ساعت‌ها انتظار و پرداخت حق ویزیت کلان موفق به دیدارش شده‌اید، بدون آنکه اجازه بدهد در مورد بیماری‌تان توضیحی بدهید شروع به نوشتن نسخه کرده است؟ آیا از دیدن مجری‌های تلویزیون عصبی می‌شوید؟ آیا با شنیدن حرف‌های سیاستمداران دچار رعشه و ناسزاگویی می‌شوید؟ آیا وسوسه خفه کردن بزرگ‌ترهای فامیل که هم مشغول فضولی و نصیحت و بزرگ‌تری‌اند زیاد به سراغتان می‌آید؟ با همکاران از زیر کار در رو و زیر آب زن زیاد دست‌به‌یقه می‌شوید؟ آیا هر هفته دوستانی به سراغتان می‌آیند که بخواهند شما را به فعالیت تجاری یا آیین مذهبی جدیدی دعوت یا دست‌کم چاکرایتان را باز کنند؟ رابطه‌تان با همسرتان چطور است؟ به فکر جداسدن از او هستید یا آن‌قدر ضرور است که حتی جرات جداسدن از او را هم ندارید؟ بچه‌های تخس و شروری که همیشه باعث سرافکندگی‌تان می‌شوند هم دارید؟

اگر پاسخ‌تان به این پرسش‌ها مثبت است، این کتاب برای شماست؛ زیرا شما

با بیشعورها سروکار دارید و این کتاب درباره پدیده بیشعوری در جوامع کنونی و راهنمای عملی ارزشمندی برای شناخت و درمان بیشعوری، خطرناک‌ترین بیماری تاریخ بشریت و نحوه رفتار با مبتلایان به این بیماری است. اما اگر پاسخ‌تان به پرسش‌های بالا منفی است، احتمالاً خطر جدی‌تری شما را تهدید می‌کند...!

شاید بیشعوری یک «بیماری» است و مثل تمام بیماری‌ها برای پیشگیری و درمانش باید آن را درست شناخت.

هر قدر یک بیماری خطرناک‌تر و شایع‌تر باشد، شناخت و مقابله با آن ضروری‌تر است. اما بیشعوری مهلک‌ترین عارضه کل تاریخ بشریت است که تاکنون راهکاری علمی برای مقابله با آن ارائه نشده است. بیشعوری حماقت نیست و بیشتر بیشعورها نه تنها آحم نیستند که نسبت به مردم عادی از هوش و استعداد بالاتری برخوردارند. خودخواهی، وفاداری و تعرض آگاهانه به حقوق دیگران که بن‌مایه‌های بیشعوری‌اند بیشتر از سوی کسانی اعمال می‌شود که از نظر هوش، معلومات، موقعیت اجتماعی و سیاسی و وضع مالی، اگر بهتر از عموم مردم نباشند، بدتر نیستند.

پزشکی که حق اظهارنظر را به بیمار خود با همراهان او نمی‌دهد یا سیاستمداری که با زیرکی از جهل و زیاده‌خواهی مردم با دادن وعده‌های توخالی و ارائه آمار مضحک از آنها سوءاستفاده می‌کند، هیچ‌کدام به خاطر حماقت مرتکب چنین اعمالی نمی‌شوند. همین‌طور شهروندی که زباله خود را در چندقدری سطل زباله عمومی محله در جوی آب خالی می‌کند به دلیل ناآگاهی از تارکردن جوی سطل زباله چنین کاری نمی‌کند.

واقعیت دردناک آن است که در طول تاریخ، مسببان بیشترین آسیب‌هایی که بشریت متحمل شده است آدم‌های بیشعور بوده‌اند و نه آدم‌های نادان. ذلیل‌کاران بزرگ تاریخ اکثراً آدم‌هایی باهوش و سخت‌کوش بوده‌اند که حاصل‌ضرب استعدادهای شخصی متعدد مثبت آن‌ها با خودخواهی، تعرض به حقوق دیگران و ردالت‌های منفی‌شان، از آن‌ها بیشعورهای بزرگ و ترسناکی ساخته که دنیایی را به آتش کشیده‌اند.

در دنیای مدرن و با بالا رفتن سطح آموزش، در سایه این تفکر نادرست که سواد و آگاهی، الزاماً رفاه و فرهنگ عمومی را در پی خواهد داشت، بیشعورهای بسیار

بیشتری تولید شده و به بهره‌برداری رسیده‌اند. تنها کافی است نگاهی گذرا به ایدئولوگ‌ها و نظریه‌پردازان و حتی آدمکش‌هایی که از بطن دانشگاه‌های معتبر جهان رشد یافته‌اند و آمار قربانیان آن‌ها بیندازیم تا صدق این مدعا ثابت شود. بله... دنیا به کام بیشعورهاست و گویی سال‌هاست که بیشعورهای جهان متحد شده‌اند! خاویر کرمنت این واقعیت دردناک را موضوع کتاب طنزآمیز خودش قرار داده است. همان‌طور که خود نویسنده هم در ابتدای کتاب خاطرنشان ساخته، هیچ‌کدام از وقایع و نام‌های یادشده در متن کتاب واقعی نیست، اما وجود مابه‌ازاهای فراوان در میان جامعه برای تمثیلاتی که در هر بخش از بیشعورهای خاص شده است می‌تواند تامل برانگیز، اثرگذار و گاه ناامیدکننده باشد.

* * *

در ترجمه این کتاب سعی کردم لحن شبه‌علمی اما طنزآمیز نویسنده - که ناگاه در بعضی جاها به نثر محاوره‌ای و حتی ادبیات لمپنی نزدیک می‌شود - حفظ شود. همچنین با توجه به اشاره‌ها و کنایه‌های متعدد نویسنده به وقایع و شخصیت‌های تاریخی، کوشیدم تا با توضیحاتی در پانویس‌ها، ضمن حفظ محتوا و ریتم متن اصلی، خواننده فارسی‌زبانی را که نزدیک به دو دهه بعد از نوشته‌شدن کتاب آن را می‌خواند با مرجع اشاره‌ها و کنایه‌ها آشنا کنم - کاری نه بسیار آسان؛ مثلاً یافتن مرجع اشاره‌ای چندکلمه‌ای به «رولز رویس» در فصل «بیش‌بودن بان‌باز» هفته‌ها وقت برد و البته برحسب اتفاق یافت شد. نام‌ها نیز بعضی کاملاً خالی و بعضی به‌صورت تغییریافته نام‌های حقیقی آورده شده‌اند (مثل باگمن راجنیش در محل اصل بیشعور عرفان‌باز) که تا آنجا که ممکن بوده مرجع اشارات یافته و به همان اصل کلمه با حروف انگلیسی (برای تمام اسامی خاص) در پانویس‌ها ذکر شده است. البته بسیاری از نام‌ها معنایی طنزآمیز در زبان انگلیسی دارند که نوشتن توضیح اضافی در پانویس برای تک‌تک آنها، خواندن متن را دشوار می‌کرد بی‌آنکه فایده خاصی داشته باشد. آشنایان به زبان انگلیسی می‌توانند معانی آنها را بر اساس پانویس انگلیسی بیابند، دیگران هم چیز مهمی را از دست نداده‌اند.

در موارد نادری در بعضی اشارات کوتاه به وقایع و یا اصطلاحات خاصی که برای خواننده غیرآمریکایی ناملموس بود تغییراتی دادم تا متن ترجمه‌شده، برای

خواننده فارسی‌زبان گنگ نباشد. خوشبختانه یا متأسفانه، بخشی با عنوان «بیشعوری و ترجمه» در کتاب وجود نداشت!

از آقای دکتر هادی خرقانی که متن اصلی کتاب را به من هدیه کردند و سپس کمک‌ها و راهنمایی‌های بی‌دریغ بسیاری برای ترجمه آن ارزانی داشتند سپاسگزارم. و نیز از مترجم زبردست، آقای رضی هیرمندی که اول بار پیش‌نویس این ترجمه را دیدند و نکات سیار ارزشمندی را متذکر شدند.

درستان دیده و نادیده بسیاری نیز پیش از این با راهنمایی‌ها و دلگرمی‌هایشان درباره ترجمه این کتاب نگارنده را مرهون خود ساخته‌اند که نام بردن از تک‌تک آنها نیازمند حافظ و هوش و حواسی ست بیش از آنچه نقداً نزد اینجانب موجود است. از همگی سپاسگزارم و به‌ویژه لطف و احسان‌شان امیدوارم هیچگاه گرفتار بیشعوری و بیشعوران نشوند!

محمود فرجامی